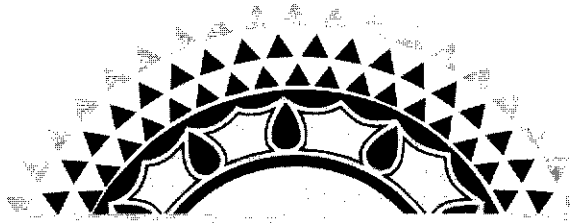


رایلیان، کیش جهان بی خدا



اشاره:

چند سالی است که پیروان کیشی به نام "رایلیان (Raelian)" از طریق رسانه‌های گوناگون از جمله اینترنت دست به تبلیغات وسیعی زده‌اند. آنان سعی دارند با استفاده از باورهای دینی، فرهنگی و نیز تکنولوژیک و افزون بر آن مسائل علمی و سیاسی افکار خود را القا کنند.

رهبر این کیش که یک روزنامه‌نگار فرانسوی به نام "کلود ویریلهون" (ویریلون) است، از هر طریق ممکن تلاش می‌کند تا حقانیت خود را به اثبات برساند. وی از پدیده‌های پرنده و نیز علم‌زدگی معاصر - که برخی از مردمان غرب را به نوعی از پوچی رسانده است - و حتی از باورهای دینی ادیان الهی، تا آنجا که توانسته برای اثبات مدعیات خود بهره گرفته است. ویریلون که خود را "رایل (Rael)" نامیده، ادعا می‌کند حامل پیامی از سوی "الوهیم" است. براساس آنچه که در نوشته‌های انتشار یافته از سوی این کیش مشاهده می‌شود، الوهیم از رایل خواسته‌اند که زمینه‌های بازگشت ایشان را به زمین فراهم کند؛ زیرا الوهیم همان "خدایانی" از جنس بشر هستند و هزاران سال در علم و تکنولوژی از انسان زمینی جلوترند و البته این الوهیم بوده‌اند که انسان را به وسیله علم پیچیده ژنتیک (کلونینگ) خلق کرده‌اند!!

الوهیم چه پیام‌هایی داده‌اند؟ رایل چه رسالتی بر دوش خود احساس می‌کند؟ آنان (در واقع رایل) چگونه از باورهای فرهنگی، مذهبی و ... برای تأیید مدعیات خود استفاده می‌کنند؟ آیا مسائل سیاسی - اقتصادی در شکل‌گیری این کیش دخیل هستند؟

در این نوشته تلاش خواهیم کرد (هرچند غیرمستقیم و بیشتر از طریق نقل توضیحات و مدعیات کیش مذکور)، پاسخی برای این پرسش‌ها به دست دهیم و البته از توضیح دیگر نکات قابل توجه درباره این کیش نیز غفلت نخواهیم کرد. (۱)

الوهیم چه کسانی هستند؟

رایل مدعی است: "الوهیم نام انسان‌های کرات دیگر هستند که از نظر علمی هزاران سال از ما جلوترند و تمام موجودات زنده و انسان‌ها را در کره زمین با مهندسی ژنتیک خلق کرده‌اند." در نزد این گروه اله نام رهبر الوهیم است. با مزیت داشتن "علم و تدبیر" از پیامی که به رایل داده شده سرانجام می‌توان به حقیقت الهی پی برد. الله، رهبر و راهنمای الوهیم، این انسان‌های پیشرفته در علم و تکنولوژی است که متعلق به کرات دیگر هستند. "کلود" ادعا کرده است که تاکنون شش بار با انسان‌های فضایی بر فراز کوه آتشفشان دیدار کرده

است. وی یکی از افراد الوهیم را این‌گونه توصیف کرده است: "چهار فوت قد، موهای مشکی، چشمان بادامی و پوست زیتونی" (۲).

محل زندگی آنها نیز در "سیاره‌ای نزدیک به زمین است" اما "خارج از منظومه شمسی". این خدایان پیشرفته در علم و تکنولوژی (به خصوص علم ژنتیک که مورد توجه خاص رایل است) درباره علت حضور خود در زمین این‌گونه توضیح داده‌اند: "در شش اگوست سال ۱۹۴۵ هنگامی که بمب اتمی هیروشیما را در هم ریخت، ما وارد عرصه پدیداری و آشکارسازی شدیم؛ زمانی که الوهیم تصمیم به فرستادن پیام‌آور خود - رایل - گرفتند تا آورنده پیام دوره پدیداری باشد. از این سال تا سال ۱۹۷۳ الوهیم پیامی نفرستادند. در این سال بود که از رایل خواستند که پیام‌شان را منتشر کند و برای آنها سفارتی بسازد تا انسان‌های زمینی به‌طور رسمی ورود خالقان علمی پیشرفته خود را در آنجا خوشامد گویند.

تا همین جا چند پرسش ساده به ذهن‌ها خطور می‌کند: اول، خالق "الوهیم" منظومه شمسی، خارج از منظومه شمسی و به‌طور کلی کهکشان‌ها چه کسی است؟ دوم، چه لزومی دارد که این انسان‌های پیشرفته به کره زمین بیایند؟ سوم، مگر قبل از جنایت هیروشیما هیچ جنایت دیگری به دست بشر رخ نداده بود؟ چهارم، چرا آنها باید دارای یک سفارتخانه باشند؟ و جالب‌تر اینکه چرا باید اصرار ورزند که این سفارتخانه در سرزمین فلسطین (بیت‌المقدس) ساخته شود، آن هم در محلی که خارج از حیطه حکومت آنهاست؟

رایلیان و بیت‌المقدس

جالب است بدانیم که الوهیم اصرار عجیبی برای ساخت سفارت خود در بیت‌المقدس دارند: "ما خواسته بودیم که سفارتی نزدیک بیت‌المقدس برای استقبال از ما ساخته شود و مقامات لجوج چندبار از تصویب آن امتناع ورزیدند.

آنان برای این انتخاب توجیه جالب توجهی دارند: "ترجیح ما برای بیت‌المقدس فقط به دلیل احساس عاطفی بود، چرا که بیت‌المقدس جایی است که مردم آن ما را دوست دارند، به ما احترام می‌گذارند و خواهان خوشامدگویی به ما و ابراز احترامات شایسته هستند.

حال چگونه می‌توان مدعیات مذکور را اثبات کرد، مشخص نیست! با این همه الوهیم این مردمی را که دوست‌شان دارند و به آنها احترام می‌گذارند و خواهان خوشامدگویی نیز هستند، تهدید کرده‌اند: "ارتباطی که ما با مردم اسرائیل داریم به‌زودی قطع خواهد شد و عهد و پیمان جدید به پایان خود

نزدیک می‌شود، برای ایشان زمان اندکی مانده است تا اشتباه خود را درک کنند، در غیر این صورت پراکنده خواهند شد."

بهره‌برداری از ادبیات دینی

نقل قول بالا این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که "رایل" تلاش کرده است از ادبیات دینی نیز به نفع افکار خود بهره گیرد. وی در ادامه پیامی که خطاب به یهودیان بیت‌المقدس (اسرائیل) در خصوص لزوم ساخت سفارتخانه در آن سرزمین فرستاده، نوشته است: "وقتی که کشور دیگری این اجازه را تصویب کند [اجازه ساخت سفارت را] به اسرائیل شانس آخری داده خواهد شد... در غیر این صورت [اصولاً مجوز ساخت سفارت]... مردم داود حمایت ما را از دست داده و پراکنده خواهند شد." و این در حالی است که می‌دانیم قوم یهود پیوسته از این پراکندگی و بی‌سرزمینی در هراس بوده و خود را سرزنش کرده است.

خواندن جملات زیر نیز ما را به یاد انجیل و ادبیات مسیحی می‌اندازد؛ هر چند کلماتی مانند پیامبر، عشق، نور، پسر عزیز ما و ... در ادبیات ادیان دیگر نیز دیده می‌شود:

"در حال حاضر از دهان پیامبر عزیزمان [کلود ویریلون] عشق ما و نور ما شما را هدایت خواهد کرد و فراموش نکنید که اگرچه ما دائماً شما را می‌بینیم، هر بار که او به شما می‌نگرد ما بیشتر شما را مشاهده می‌کنیم، زیرا آنچه را که او می‌بیند با عشقی که برای شما دارد زیباتر می‌شود. هرچند بیشتر به او عشق بورزید، بیشتر به ما عشق ورزیده‌اید. زیرا او جزئی از ما است در زمین... نمی‌توانید به ما عشق بورزید و همزمان او را فراموش کنید، چرا که باز هیچ‌کس به پدر نمی‌رسد مگر از طریق پسر... عشق او به شما به قدری زیاد است که دائماً از ما می‌خواهد چیزهایی را که نزد ما غیرقابل بخشش است، ببخشیم. او بهترین حامی شماست در چشم خالقان‌تان و در سیاره‌تان که هر دم عشق و بخشایش کمتر می‌شود، در جامعه‌ای که به دلیل نبود ارزش‌ها هر روز خشن‌تر می‌شود، او با ارزش‌ترین موهبت شماست... باشد که نور او شما را به ما هدایت کند..."

رایل مدعی است که ادیان گذشته زیرمجموعه‌ای از کیش او هستند: "الوهیم، پیامبران گذشته از جمله موسی، عیسی، بودا، زرتشت، محمد(ص)، بهاء‌الله و دیگران را برای هدایت بشریت به نمایندگی خود در زمین برگزیدند تا ما را به دوران کنونی علم و پیشرفت راهنمایی کنند." با همین توجیه است که به آیات قرآن استناد کرده و پس از نقل آیه ۸۱ سوره آل عمران